

به مناسبت چهل‌مین روز شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین خرسند امام جمعه فقید کازرون، روزنامه طلوع با تشکیل یک میزگرد مطبوعاتی خانوادگی به بحث و نظر پیرامون زوایای مختلف زندگی این شهید پرداخت که حاصل آن به شرح زیر تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

چه عواملی باعث شد که ایشان وارد دروس حوزوی شوند؟

همسر شهید: قطعاً علاقه خود ایشان به حوزه و علوم و معارف اسلامی عامل اصلی بوده است.

پدر شهید: خصوصیات اخلاقی آن شهید عزیز در دوران نوجوانی آن‌چنان بارز بود که قابل قیاس با سایر فرزندانم نبود. همچنین وی هنگام مرحوم پدرم بود که سال‌ها در قلمه سید نقش مرشد و بزرگ علوم دینی را داشت؛ لذا من دوست داشتم که وی وارد حوزه علمیه شود و از وی خواستم و چون خود ایشان نیز علاقه داشتند، پذیرفتند. ابتدا وارد حوزه علمیه کازرون و سپس قم شدند.

خواهر شهید: ما از بچگی در یک خانواده مذهبی بزرگ شدیم. ولی حاج آقا از همان دوران کودکی عرق مذهبی زیادی داشتند و از همان موقع جایگاهشون مسجد بود و به‌عنوان مکبر در مسجد محل خدمت می‌کردند. به نظر من علاقه ایشان به دین و معنویت عامل اصلی این مسئله بود و شرایط مذهبی خانواده هم به‌عنوان عامل کمکی دخیل بود.

برادر شهید دکتر علی خرسند: دو دلیل اصلی گرایش ایشان به حوزه علمیه؛ جو مذهبی حاکم بر خانواده ما و نیز علاقه قلبی و اعتقادی ایشان به حوزه دین و مذهب بود.

فرزند شهید محمدحسن خرسند: علاقه به روحانیت و روحیه انقلابی و خانواده مذهبی و انقلابی همچنین علاقه به ادامه راه اهل‌بیت و علم و تقوی.

برادر شهید دکتر حسین خرسند: ایشان از اوایل انقلاب که نوجوانی پیش نبودند عضو مؤثر و فعال حزب جمهوری اسلامی بودند. در پایگاه‌های بسیج و جبهه‌های جنگ علیه دشمن، حضوری دائمی داشتند که دلیل آن نیز عرق ملی و زمینه‌های محکم مذهبی بود و با توجه به علاقه خودش و بنا به خواسته پدرم در این راه گام نهادند.



۲. تحصیلات حوزوی وی تا چه مرحله پیش رفت؟

همسر شهید: تا مرحله سطح ۳ حوزه و ۱۰ سال درس خارج نزد علمای بزرگ همچون حضرات آیات عظام مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی و تقیعی طی کرد. **برادر شهید حاج منصور خرسند:** ایشان سال‌ها در درس خارج در حوزه علمیه قم در محضر علمای بزرگ تلمذ نمودند.

فرزند شهید محمدحسن خرسند: درس خارج، نمی‌دانم تمام شده بود یا نه.

۳. روحیه معنوی ایشان و نوع اعمال و رفتارشان چگونه بود؟

همسر شهید: ایشان بسیار مهربان و در برخورد با همه بسیار خوش‌رو و خوش‌برخورد و ساده‌زیست بودند و اهل نماز شب، قرآن، زیارت عاشورا، ولایت‌مدار، مردمدار و خدمتگزار مردم بودند. به دیگران خصوصاً خانواده بسیار محبت می‌کردند، اهل صلوحم بودند و خود را از مردم می‌دانستند.

پدر شهید: فرزند من بسیار اهل معنویات بود و ارتباط نزدیک و دائمی باخداوند خود از همان دوران نوجوانی داشت و در این زمینه الگوی دیگران بود. بسیار صبور بود و همیشه لبخند بر لب داشت. به دورترین افراد خانواده سر می‌زد، به دیدار خانواده شهدا و مستضعفین و فقرا می‌رفت، ارتباطش را با هم‌زمانانش در جبهه همیشه حفظ کرده بود و بسیار به من و خصوصاً مادرش محبت می‌کرد و عاشق والدینش بود.

خواهر شهید: بدون اغراق بیان می‌کنم ایشان بسیار متواضع، مهربان و با محبت بودند و به صلوحم اعتقاد عجیبی داشتند و وقتی برای دیدن ما می‌آمدند دیدار فامیل و آلاشتیان را وظیفه می‌دانستند و ما را هم به این مسئله تشویق می‌کردند. ایشان برادری مهربان و دلسوز بودند و وجودشان برای ما مایه دلگرمی و قوت قلب بود. در واقع خانواده ما با شهادت ایشان، بزرگ و سروری مهربان را از دست دادند.

برادر شهید دکتر علی خرسند: در معنویات؛ چه در حوزه دین و چه در حوزه اخلاق اعتقاد راسخ داشتند و خصوصاً نیت در تفکرات و اعمالشان در این حوزه‌ها بارز بود درعین حال که بسیار در اعتقاداتشان راسخ بودند؛ ولی هیچ‌وقت در اجرای تکالیف از حد اعتدال خارج نمی‌شدند و نرمش و ملاطفت در برخورد با دیگران در رفتارشان مشهود بود به گونه‌ای که حضورشان در جمعی؛ حتی با نگرش متفاوت برای دیگران آزردهنده نبود.

برادر شهید حاج منصور خرسند: در وجود ایشان معنویت خاصی موج می‌زد، ایشان تبلور اخلاق اسلامی در خانواده بودند به همه احترام می‌گذاشتند و باوجود آنکه مسئولیت داشتند اما احترام خاصی به من به‌عنوان برادر بزرگتر داشتند. **فرزند شهید:** ایشان در خانواده، پدری مهربان و دوستی صمیمی برای ما بودند به والدینش و خواهر و برادرانش و به مادرم و ما فرزندانم احترام می‌گذاشت، برخوردش در خانه مطابق با تعالیم اسلامی و خلق‌وخوی زیبایی معصومین بود.

برادر شهید دکتر حسین خرسند: چون من فرزند کوچک خانواده بودم علاقه خاصی به من داشت. من را همیشه می‌بوسید و در دوران کودکی با خود به مشهد و سایر شهرها می‌برد و الگوی

من در زمینه اخلاق و برخورد خوب و صبر و متانت بود گرچه شاید از لحاظ سیاسی افکار یسکان نداشتیم اما همیشه به افکار ما احترام می‌گذاشت. او عاشق پدر و مادر بود و هفته‌ای حداقل یک‌بار با من و فرزندم تماس تصویری برقرار می‌کرد تا ما را ببیند و ما نیز بتوانیم وی و خانواده را ببینیم.

۴. چگونه به مسئولیت امامت جمعه رسید؟ و عوامل دخیل در این انتصاب را بیان کنید.

همسر شهید: از طرف مردم و مسئولین به ایشان پیشنهاد شد که ابتدا قبول نکردند. بعد با مشورت با علمای قم به‌خصوص آیت‌الله مکارم شیرازی و نوری همدانی و چند تن از علمای دیگر که به ایشان تکلیف کردند بالاخره پذیرفتند.

فرزند شهید: پیشنهاد شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه و تکلیف کردن مراجعی چون آیت‌الله مکارم و نوری همدانی بود و گزینه خانواده و خودش تمایلی نداشت و برحسب تکلیف بود که پذیرفت.

برادر شهید حاج منصور خرسند: تا آنجایی که بنده اطلاع دارم بعد از پیشنهاد شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه ایشان بر اساس تکلیفی که آیت‌الله نوری همدانی به وی امر کردند این سمت را پذیرفتند.

برادر شهید دکتر حسین خرسند: ایشان در آن زمان دبیر حزب مؤتلفه استان قم و عضو شورای مرکزی این حزب بودند لذا برایشان سخت بود که هم در قم و تهران فعالیت داشته باشند و هم در کازرون، لذا اول مخالفت کردند. پیشنهاددهنده این سمت نیز علاوه بر شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور، آیت‌الله بنیادی بودند همچنین تکلیف مراجع و جس علاقه و خدمتگزاری به زادگاهش باعث شد این مسئولیت را بپذیرند.

۵. روحیه ایشان قبل و بعد از امامت جمعه چه تفاوتی داشت؟

همسر شهید: روحیه ایشان چه قبل از امامت جمعه و چه بعد از آن تفاوتی نداشت ایشان بسیار خاکی و بسیار خودمانی بود و جایگاه امامت جمعه ذره‌ای در نحوه برخورد و آداب معاشرت ایشان با مردم تغییر ایجاد نکرد.

پدر شهید: روحیه این عزیز همیشه اسلامی، اخلاقی و انسانی بود تمام کسانی که با وی آشنایی دارند تأیید خواهند کرد که تواضع و فروتنی و مردم‌داریش بعد از انتصاب به امامت جمعه بیشتر از گذشته شده بود.

خواهر شهید: ایشان سراپا محبت و مهربانی بودند و مسئولیت امامت جمعه نه‌تنها ایشان را از خانواده دور نکرد بلکه با حس مسئولیت بیشتر به لطف و محبت خویش به نزدیکان و صلوحم پرداختند. ایشان نمونه بارز مهربانی و محبت در کل خانواده بودند.

برادر شهید حاج منصور خرسند: حاج محمد همیشه چه قبل از امامت جمعه چه بعد از آن برای والدینش فرزندی مهربان، برای همسرش شوهری عزیز و مهربان، برای فرزندان پدری تلاشگر و برای خواهر و برادرانش الگو و برادری ایثارگر و برای مردم شهرستان همشهری دلسوز و تلاشگر و صبور و ساعی بودند.

برادر شهید دکتر حسین خرسند: منصب امامت جمعه فقط یک مسئولیت و بار بیشتر و توفیقی مضاعف جهت خدمت به مردم شهرستان بود و گزینه ایشان همان رزمنده مهربان و متبسم و صبور



اول باید ذکر کنم ایشان یک شخصیت سیاسی بودند آن‌هم در سطح کشور پس گرایش‌های سیاسی خود را داشتند اما چیزی که برای همه جالب بود رابطه خوب وی با سوسیون کشور و شهرستان و استان علی‌رغم اختلافات سیاسی که با آنها داشت. چون برخلاف برخی تنگ‌نظرها تازه به دوران رسیده، بودن در دایره نظام را منحصر به یک جناح نمی‌دانست و همه دوستان از چپ و راست قدیم تا اصولگرا و اصلاح‌طلب و مستقل را در دایره خودی‌ها می‌دانست و بسیار پیش آمد که از یک مسئول اصلاح‌طلب صرفاً به دلیل سلامت نفس و تخصص آن مسئول دفاع می‌کرد و بعضاً با رد صلاحیت‌های جناحی مخالفت و از فرد رد صلاحیت شده حمایت می‌کرد. این یعنی بینش بالا و دید باز و نگاه به آینده‌ای دوردست و خوب برای کشور. من یقین دارم تأسف و غصه اصلاح‌طلبان شهرستان از شهادت ایشان اگر از اصولگرایان بیشتر نباشد کمتر نیست.

۸. ارتباط وی با مردم و مردم‌داری شهید را تشریح کنید.

همسر شهید: ارتباط ایشان با مردم بسیار خوب و همچون پدری دلسوز بود. در واقع این سؤال را باید از مردم پرسید چون خود مردم شهرستان بودند که می‌گفتند که ما هم یتیم شدیم. پس مردم‌داری از خصوصیات بارز ایشان بود و تمام هم‌وغمش مشکلات مردم و تلاش در جهت حل آن بود.

پدر شهید: شهید خرسند مردم و مشکلاتشان را اولویت اول می‌دانست و در منزل و دفترش بر روی اقشار مختلف مردم باز بود.

فرزند شهید: در مصاحبه گفتم نمونه این گونه رفتارش زیاد بود حتی در شرایط حساس دو سال اخیر و پیگیری شبهانه‌روزی مطالبات مردم و کمک به نیازمندان و پیگیری امورشان، محافظ نداشت که بین او و مردم فاصله باشد.



برادر شهید حاج منصور خرسند: ایشان از زمان نوجوانی و جبهه و جنگ و سپس حوزه و مسئولیت‌هایش مردمدار بود چون خود را جزئی از آنان می‌دانست اصلاً حضورش در کازرون نیز صرفاً در جهت خدمت به مردم و هم شهرستانی‌هایش می‌دانست و گزینه در تهران مسئولیت‌های بیشتری به ایشان پیشنهاد شد.

برادر شهید دکتر علی خرسند: اصلاً انگیزه حضور ایشان در شهرستان خدمت به شهر و مردم بود و بسیار مردمدار بودند به گونه‌ای که تمام افراد از طبقات و اقشار مختلف مردم با ایشان مرادده داشتند. در خانه ایشان به روی مردم عادی باز بود و ایشان تا جایی که امکان داشت چه شخصاً یا از طریق سفارش در جهت حل مشکلات مردم چه معیشتی چه اداری کوتاهی نمی‌کردند. در یک جمله بسیار خاکی بادی آکنده از رافت و مهربانی همراه با حسن خلق طوری که بسیاری شفته این سادگی ایشان بودند.

برادر شهید دکتر حسین خرسند: ایشان چون خود از ابتدا اهل جبهه و مسجد و... بودند پس حضور و بودن با مردم را لمس کرده بود و به آن اعتقاد داشت. هر زمان از آلمان به کازرون



می‌آمدم بیشتر اوقات به دفتر ایشان می‌رفتم بیش از ۹۰ درصد مراجعه‌کنندگان فقرا و مردم عادی بودند که مشکل داشتند و دفتر سایرین بر رویشان بسته بود و آنجا تنها ملجا و پناهگاهشان بود و حتی هنوز بعد از شهادتشان این دفتر بر روی مستمندان باز است و مسئول محترم دفترشان تا معرفی امام‌جمعه جدید همان سیاست را دنبال می‌کنند. بارها بود که به وی اعتراض می‌کردم که برخی سیاسیون رده‌بالای شهرستان دنبال خراب کردن شما هستند تا به اهدافشان برسند و لطفاً به تهران برگردید مسئولیت برای شما زیاد است اما می‌گفت نگران شهرستان و مردم مظلوم هستم و تا زمانی که اینجا باشم لحظه‌ای از خدمت به آنها کوتاهی نخواهم کرد و چه زبیرا برعهده‌ای که با مردم بست استوار ماند و جانم را در راه اسلام و مردم در صد متری دفتر کارش فدا کرد.

۹. ارتباط درون خانوادگی با همسر و فرزندان و والدین و اقوام چگونه بود؟

همسر شهید: ارتباط ایشان با بنده و فرزندانمان و والدین و خواهر و برادرانشان و سایر اقوام بسیار عالی و مهربانانه بود ایشان را می‌توان به‌عنوان یک الگو در اخلاق و رفتار با خانواده معرفی کرد.

فرزند شهید: مانند دوست رفتاری همراه با عطف و مهربانی و دلسوزی داشت و بسیار گرم و صمیمی و پشتوانه‌ای برای ما بود.

پدر شهید: ایشان علاقه خاصی به پدر و مادرش علی‌التخصوس به مادرش داشت. مادر ایشان سال‌هاست معلولیت جسمی دارند و مرتباً به خانه ما می‌آمد و دست و صورت مادرش را می‌بوسید به وی آب و خوراکی می‌داد و با وی شوخی می‌کرد و تا او را نمی‌خندانند از اینجا نمی‌رفت. به من و سایر برادران و خواهرش احترام می‌گذاشت و در آخرین دیدارش دست من را بوسید و از من حلالیت طلبید گویا حسی به وی می‌گفت که این آخرین دیدار است.

خواهر شهید: ایشان به همه فامیل سر می‌زد و به همه ما احترام می‌گذاشت. من ساکن کرج هستم و همیشه با مترو می‌آمد و برمی‌گشت و حتی حاضر نبود که ما با ماشین وی را به تهران ببریم. واقعاً نماد اخلاق و مهربانی در خانواده بود.

برادر شهید حاج منصور خرسند: وی واقعاً مظلوم و مهربان بود در دوران کودکی تمامی خریدهای مادرم را ایشان انجام می‌داد و علاقه خاصی به مادرم داشت به سرکشی تمامی فامیل‌ها می‌رفت و واقعاً در خانواده بی‌نظیر بود.

برادر شهید دکتر حسین خرسند: ایشان در برخوردهایش در خانواده از ائمه الگوبرداری می‌کرد. واقعاً سخت است باین‌همه تلاش و خستگی ناشی از کار در خانواده همیشه تبسم بر لب داشت اما ایشان نشان داد که می‌توان تلاشگر بود و لبخند بر لب داشت. می‌توان نا ملائمتی دید و اما خندید. می‌توان در جلسه معارفه فرماندار سخنان سخت شنید، اما وقتی در خانه حضور داری برای آنها همسر و پدری مهربان باشی.

۱۰. مشکلات یک سال اخیر شهرستان کازرون چه تأثیری بر وی گذاشت؟

همسر شهید: مشکلات یک سال اخیر ایشان را واقعاً ناراحت کرده بود و سعی و تلاششان را در حل کردن قضیه اخیر بیشتر کرده بود. ایشان تمامی تلاش خود را در رفع مشکلات مردم و به‌خصوص خانواده کشته‌شدگان اخیر و پرداخت دیه و یا کمک به آنها انجام داد.

فرزند شهید: بسیار دغدغه شهر و مردم و خواست آنها را داشت هیچ‌وقت پشت مردم رو خالی نکرد و به‌اندازه‌ای فشار روی او بود که عکس یک سال اخیر ایشان را، اگر با عکس سال قبل مقایسه کنید متوجه این تغییر می‌شوید.

برادر شهید حاج منصور خرسند: جریانات یک سال پیش واقعاً ناگوار بود چند عزیز جان خود را از دست دادند. چند خانواده عزادار شدند و ایشان واقعاً عزادار آنها بود. به خانواده‌هایشان سر کشی می‌کرد و تلاش بسیاری جهت آزادی سایرین از خود به خرج داد و همیشه در کنار مردم بود.

برادر شهید دکتر حسین خرسند: جریانات سال گذشته سیاه‌ترین لحظات مردم شهرستان بود. با آغاز ماه رحمت براثر بی‌تدبیری برخی، مشکلات عظیمی برای شهرستان و مردم ایجاد شد و مردم در دفاع از شهرستانشان حتی چند جوان دادند. جریاناتی که اصلاً می‌شد روی ندهد تا خوراکی برای دشمنان کوردل درست نشود. ایشان از آن‌جهد که خود بچه این شهر بود و اصلاً فقط به دلیل خدمت به این مردم اینجا مانده بود، بسیار ناراحت بود و همیشه همگام و همراه با مردم ایستاد تا شهرستان آرامش مجدد خود را پیدا کند و اگر عملکرد اصولی ایشان نبود هزینه این بی‌تدبیری بالاتر می‌شد...

ادامه مطلب در صفحه بعد...

